

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

عرض کردیم که مرحوم محقق (ره) تحت عنوان اجرة القاضي استطرادی ناظر به بحث اجرت بر شهادت مطرح فرموده، بنابراین کلام در این است که شاهد اگر برای شهادت دادن بخواهد دستمزد بگیرد چه حکمی دارد؟ این مسأله را تشقیق به شقوق کردیم که دستمزد گرفتن یک مسأله است و هزینه رفت و آمد را مطالبه کردن یا خسارت هایی که بر شخص وارد شده را مطالبه کردن یک فرع دیگر است و این که بخواهد بگوید: من به جهت آمد و رفتی که انجام دادم از کار و شغل خود افتادم و منافی را از دست دادم فرع سوم است.

در همه این فروع بین این که شاهد به عنوان بینه شرعی باشد یا مطلع یعنی باب استشهاد باشد یا استطلاع، خود دو فرع دیگر است.

تا این جا اقوال فقهی آن را مطرح کردیم و سپس سراغ قوانین رفتیم.

در قوانین، قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی را مرور کردیم و به قانون آیین دادرسی کیفری رسیدیم که گفتیم از ماده 204 تا 216 در 12 ماده به بحث شهادت پرداخته که بخشی مربوط به بحث ما می شود.

یکی ماده 204 است که قانون گذار در مباحث جزایی شهادت دادن شاهد را تکلیف قانونی دانسته است و روی همین مبنا احضار شاهد را مطرح کرده است، در مسائل مدنی بحث احضار در فقه نداریم چون اگر دعوت به حضور بشود و نیاید جلب نمی شود و اگر نیامد و مدعی هم او را نیاورد شهادت از عداد دلایل خارج می شود، مثلا کسی اختلاف مالی با دیگری دارد و می گوید: من خانه را اجاره دادم و مستأجر تخلیه نمی کند یا مالی را به فردی فروخته ام و خریدار ثمن را تأدیه نکرده است، حتی بین فقها اختلاف است که آیا جایز است قاضی به مدعی بگوید: ا لک بینة؟ چون احتمالا مصداق تلقین خصم است، آیا شهادی هم داری؟ اگر شاهد داشته باشد امر می کند به مدعی که شهودش را بیاورد.

اما در امور کیفری قانون گذار می‌گوید: که شاهد در امور کیفری احضار می‌شود یعنی قاضی به او دستور می‌دهد که بیاید و در تبصره ذیل این ماده آمده است که اگر نیامد جلب می‌شود، بنابراین معنای آن این است که شهادت دادن کسی که شهادتی را متحمل شده در امور کیفری، این جنبه تکلیفی دارد یعنی وظیفه این شخص اقتضا می‌کند که به عنوان شاهد در امر کیفری که تحمل شهادت کرده، ادای شهادت نماید.

تا این جا را دیروز با هم مرور کردیم.

این که مرحوم محقق حلی (ره) به بحث اجرت شاهد ورود پیدا کرده، اصلش استطراد است و چون مبنای ما متن شرایع است این بحث را مطرح کرده ایم.

براساس مقررات موجود، نسبت به اصل دستمزد هم در آیین دادرسی مدنی و هم در آیین دادرسی کیفری مطلبی مطرح نشده است یعنی اداء الشهاده فی حد ذاته منهای هزینه رفت و آمد و خسارات براساس قانون برای آن مزدی نیامده است، بله مواردی مطرح شده که راجع به هزینه ها است که در آینده بحث می‌کنیم که قانون چه می‌گوید و از نظر فقهی آیا قابل دفاع هست یا خیر؟

در ماده 214 از قانون آیین دادرسی کیفری یک نکته ای دارد که در امور کیفری می‌گوید: حتی با خوف خطر هم تکلیف ساقط نمی‌شود یعنی شاهد ظن این را دارد که اگر شهادت بدهد برای او ضرر مالی یا جانی و یا عرضی دارد این مسقط تکلیف ادای شهادت نیست. در ماده 214 می‌گوید: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛

ب - عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع (اطلاعات راجع به شاهد در دسترس قرار نگیرد یعنی در حقیقت اگر مخاطره ای در بین هست مشهود علیه که از ناحیه او امکان خطر وجود دارد از هویت شاهد مطلع نشود).

پ - استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور (خود باز پرس خارج از دادسرا برای استماع شهادت برود تا مشخص نشود که شاهد چه کسی است و چه سؤالی شده و شاهد چه جوابی داده است).

در ماده 216 این مطلب آمده است که گاهی ممکن است فرض کنیم بازپرس رسیدگی کننده به محل حضور شاهد برود چراکه در این ماده آمده است: «در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان، زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، بازپرس در محل حضور می یابد و مبادرت به تحقیق می کند».

آن چه مستقیماً به بحث ما برمیگردد ماده 215 همین قانون است که می گوید: «در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه ای که قوه قضائیه اعلام می کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می نماید...».

چند مطلب این جا وجود دارد، اولاً این که قانون گذار اصل شهادت را مجانی گرفت ولی هزینه رفت و آمد را شاکی (یا مشهودله) باید بپردازد. در این قانون می گوید: طبق تعرفه، که این هم محل کلام است، چرا باید طبق تعرفه باشد؟ کان ما داریم تکلیف می کنیم که شاهد باید با مترو و یا اتوبوس رفت و آمد کرده باشد در حالی که در فقه گفته می شود می تواند از وسیله ما یلیق بحاله استفاده کند.

همچنین قانون مزبور می گوید: ضرر و زیان ناشی از ترک شغل، که این هم دچار ابهام است، ترک شغلی که ترک کردن آن مستلزم ضرر مالی باشد مستلزم پرداخت اجرت است یا تحکل ضرر مالی شرط نیست مثلاً، کسی در استخدام دولت است و برای شهادت دادن یک روز مرخصی استحقاقی گرفته آیا می تواند اجرت بگیرد؟ یا این که نه اگر درآمدی داشته که ترک آن موجب عدم حصول درآمد شده است حق مطالبه خسارت دارد؟ یا نه اصلاً صدق ضرر برای مطالبه خسارت کفایت می کند؟

مرخصی هایی که اشخاص در طول سال می توانند بگیرند 30 روز در سال است که به آن مرخصی استحقاقی می گویند، اگر کل آن در طول سال استفاده نشود، نصف آن ذخیره می شود که اگر 10 سال استفاده نکرده باشد می شود 150 روز، که در آخر خدمت، موقع بازنشستگی با او حساب می کنند یعنی اجرت آن روزهای که که مرخصی نگرفته را به او می پردازند. حال، اگر کارمندی مرخصی گرفت و رفت شهادت داد و در نتیجه مرخصی او ذخیره نشده و در نتیجه حین بازنشستگی اجرت آن مرخصی به او پرداخت نمی شود آیا این مقدار برای صدق ضرری که او بتواند از مشهودله خسارت بگیرد، می نماید؟

از طرفی، این که مقنن ترک شغل را مشمول خسارت عدم النفع دانسته و از طرفی تعیین میزان خسارت عند الزوم به نظر کارشناس موكول کرده این یعنی گاهی طرف می گوید: من کارگر ساختمانی هستم و دو روز برای شهادت ضرر خوردم این جا نیاز به کارشناسی ندارد، ولی اگر شاهد بگوید: کار من خرید و فروش

است، در روز فلان قدر در آمد دارم، قاضی نمی‌تواند با ملاکی آن را معین کند، ممکن است برخی جاها خود قاضی نتواند تشخیص بدهد که در این صورت از نظر کارشناس استفاده می‌کند لذا ارجاع به کارشناس در همه موارد الزامی نیست.

در هر صورت گفته است پول را به صندوق دادگستری تأدیه کند، این چه مبنایی دارد؟ مگر این که مراد این باشد قبل از حرکت شاهد، از شاکی یا مشهود له بگیرند و درون صندوق بگذارند تا بعد شهادت به شاهد بدهند.

بعد فرضی را مطرح می‌کند از جمله این که می‌گوید: «هرگاه شاکی به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. (اگر چنانچه شاکی بگوید: من ندارم که بدهم در امور کیفری از مصادیقی است که باید بیت المال بپردازد چون نقش دولت و حاکمیت نقش دفاعی دارد یعنی باید کاری کند که در جامعه جرمی صورت بگیرد نه مثل امور مدنی که نقش دولت، حمایتی است، البته باید دانست همیشه احضار شاهد به دستور بازپرس است بنابراین مورد دوم از این بند منظور این است که در جایی که خودشاکی اسمی از شاهد نبرده و خود بازپرس نیاز دیده که شاهد برای شهادت بیاید) هرگاه در جرائم قابل گذشت، شاکی با وجود ملاتت از پرداخت هزینه های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید. اما در جرائم غیر قابل گذشت، هزینه های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود.

جمع بندی:

- 1- قوانین ما ناظر به مرحله ادای شهادت به تکلیف بودن شهادت و مجانیت اصل شهادت اشاره کرده اند.
- 2- در قانون، حکم شاهد و حکم مطلع از جهت مجانی بودن اصل موضوع، واحد است و فرقی بین مقام استشهاد و استطلاع نیست هرچند ماهیت آن دو یکی نیست.
- 3- چه شاهد و چه مطلع بدون عذر نمی‌توانند از آمدن نزد قاضی خود داری یا مطالبه آمدن قاضی نزد خود را داشته باشند، در فقه نظر شیخ اعظم این بود که شاهد می‌تواند بگوید: من نمی‌آیم شما بیایید ولی در قانون می‌گوید: شاهد چنین حقی ندارد بلکه در صورت داشتن یکی از معاذیر قانونی است که می‌تواند در دادگاه حضور پیدا نکند و می‌تواند درخواست کند که قاضی نزد او بیاید.
- 4- بر اساس قوانین، شاهد زمان حرکت نمی‌تواند مطالبه مالی بکند بلکه قوانین می‌گوید: لدی الحضور می‌تواند درخواست هزینه کند، نه این که قبل حرکت شماره کارت بدهد و بگوید: واریز کنید تا من بیایم.

- 5- شاهد می‌تواند پس از حضور نزد قاضی بابت هزینه رفت و آمد یا بیکار شدن یا خسارت و ضرر ناشی از حضور مثل هزینه سکونت مطالبه دریافت وجه کند.
- 6- قوانین ما در مورد این که یک یا دو نفر از ده ها شاهد که ادای شهادت می‌کنند، آیا می‌توانند از سایر شهودی که نیامدند به اعتبار این که من به الکفایه هست، چیزی دریافت بکنند یا خیر؟ ساکت است و این جهت در قوانین ما مورد تعرض نیست.
- 7- مقررات، مسؤول هزینه ها را در امور مدنی، مشهود له دانست و در امور کیفری، شاکی اولاً مسؤول تأدیه است و ممکن است به فرض اعسار شاکی یا این که احضار شاهد از ناحیه شاکی نباشد از سوی بیت المال پرداخت شود.

و الحمد لله رب العالمین